

Iran's Strategies for Countering the Security Implications of the Relations Between the United Arab Emirates and the Zionist Regime

Mohammad Mehdi Esmaeili¹ | Rouhollah Ghaderi Kangavari²

Abstract

The United Arab Emirates and the Zionist regime, fearing the rise and regional influence of the Islamic Republic of Iran, have aligned their positions and based their primary reconciliation process on the perceived or actual threat from Iran and countering what they deem as Iran's security threats. In this context, the objective of this research is to formulate the strategies of the Islamic Republic of Iran for countering the security implications of the relations between the United Arab Emirates and the Zionist regime.

To systematically analyze the collected data, the validation of findings involved in-depth interviews with subject matter experts, whose opinions were gathered through a researcher-made questionnaire. Their perspectives formed the basis for developing the environment-based SOAR strategies. The research findings indicate that the strategic alliance between the Zionists and the Emiratis aims to reshape the regional security structure (geopolitics of the Middle East), with the ultimate goal of reinforcing, stabilizing, and guaranteeing the security of the Zionist regime. Consequently, these relations have multiple security implications, including creating a security belt around Iran, fostering Arab consensus and resolving the Palestinian issue, promoting Iranophobia, altering regional bloc alignments, shifting the balance of power and regional security structure, extending insecurity and crises within Iran, and intensifying sectarian and identity conflicts to undermine Iran's regional power and threaten its national security and interests.

In response to these security threats, the Islamic Republic of Iran should develop strategies focusing on three main axes: reducing tensions and expanding regional cooperation, enhancing military capabilities, and strengthening elements of national power.

Keywords: Security Relations, Strategies of the Islamic Republic of Iran, United Arab Emirates, Zionist Regime

-
1. Corresponding Author: Assistant Professor, Regional Studies, Faculty of Prophet Akram, Imam Hossein Officer Training and Guard University, Tehran, Iran. Email: Pan.mahdi@gmail.com
 2. Associate Professor: Regional Studies Department, Faculty of Prophet Akram, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تبعات مناسبات امنیتی
حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی
محمد مهدی اسماعیلی^۱ | روح اله قادری کنگاوری^۲

۱۰

سال ششم

بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۲/۰۸

صص: ۱۳۸-۱۱۱

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



چکیده

کشور امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در هراس از قدرت یابی و گسترش نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، اقدام به نزدیکی مواضع کرده و هسته ی اصلی فرایند سازش خود را با ادراک یا تصور تهدید از ایران و مقابله با آنچه تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران می خوانند، قرار داده اند. در این راستا هدف این پژوهش، تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تبعات مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی است. به منظور تجزیه و تحلیل روشمند داده های گردآوری شده، در بخش اعتبارسنجی یافته ها ضمن بهره مندی از مصاحبه ی عمیق با خبرگان موضوع، نظرات آنان در قالب یک پرسشنامه ی محقق ساخته اخذ گردیده و دیدگاه های آنان مبنای تدوین راهبردهای محیط-پایه ی SOAR قلمداد شده است. بر اساس یافته های پژوهش ائتلاف راهبردی صهیونیست ها و اماراتی ها با هدف تغییر ساختار امنیت منطقه (ژئوپلیتیک خاورمیانه)، صورت پذیرفته است که هدف نهایی هویت بخشی، تثبیت موجودیت و تضمین امنیت رژیم صهیونیستی است؛ بنابراین این مناسبات تبعات و پیامدهای امنیتی (ایجاد کمربند امنیتی در اطراف ایران، اجماع سازی عربی و خاتمه دادن به مسئله فلسطین، ایران هراسی و تغییر در بلوک بندی منطقه ای، تغییر موازنه قدرت و ساختار امنیتی منطقه، تسری ناامنی و بحران زایی در ایران، تشدید اختلافات فرقه ای- هویتی با هدف تحلیل قدرت منطقه ای ایران و تهدید امنیت و منافع ملی ایران) برای جمهوری اسلامی دارد. جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات امنیتی، راهبردها را باید ذیل سه محور، تنش زدایی و گسترش همکاری های منطقه ای، افزایش توان نظامی و عناصر قدرت ملی قرار دهد.

کلیدواژه ها: مناسبات امنیتی، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، امارات متحده عربی، رژیم صهیونیستی

DOR: 20.1001.1.25386328.1403.6.10.5.8

۱. نویسنده مسئول: استادیار، مطالعات منطقه ای، دانشکده پیامبر اکرم (ص)، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام

حسین(ع)، تهران، ایران. Email: Pan.mahdi@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مطالعات منطقه ای، دانشکده پیامبراعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

امارات متحده عربی یکی از همسایگان جمهوری اسلامی ایران است که در ساحل جنوبی خلیج فارس قرار دارد. این کشور از طریق یک تنگه آب و معبر کم‌عرض دریایی بسیار مهم به نام تنگه هرمز از ایران جدا شده است. بین دو کشور علاوه بر پیوندها و اشتراکات زیاد، تنش‌های سیاسی و اختلاف‌های سرزمینی نیز وجود دارد. اختلاف سرزمینی ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس، با گذشت بیش از ۵۰ سال در چارچوب موافقت‌نامه ۱۹۷۱، همچنان به‌عنوان یکی از موانع و چالش‌های اصلی حاکم بر مناسبات دو کشور به‌شمار می‌آید.

روابط جمهوری اسلامی ایران با امارات متحده عربی تا حد زیادی نه در سیاست داخلی امارات متحده عربی، بلکه در مسائل و ترتیبات منطقه‌ای و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ریشه دارد. در خلیج فارس، کانون‌های بحران‌زای فراوانی وجود دارد که جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، یکی از آن‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد ادعای امارات متحده عربی در مورد این جزایر، از سال ۱۹۹۱، کانون امنیتی شدن ایران در سیاست خارجی ابوظبی به‌شمار می‌آید. در واقع، امارات متحده عربی ایران را بزرگ‌ترین تهدید منطقه‌ای خود می‌داند. روابط تهران و ابوظبی بر سر مالکیت سه جزیره، مسائل هسته‌ای ایران، برنامه موشک‌بالستیک و نفوذ محور مقاومت و تلاش امارات برای تحریک احساسات سیاسی شیعیان دچار تنش دوجانبه شده است. روند موجود نشان می‌دهد با تأثیرپذیری امارات از سیاست‌های آمریکا و متحدانش در منطقه و امضای پیمان ابراهیم در سال ۲۰۲۰ و عادی‌سازی روابط و آشکارسازی مناسبات با رژیم صهیونیستی در آینده نیز تنش و بی‌اعتمادی بین دو کشور ادامه خواهد داشت.

پس از گذشت ۴۰ سال از قرارداد صلح رژیم صهیونیستی و مصر در ۱۹۷۹ و همچنین گذشت ۲۶ سال از معاهده صلح رژیم صهیونیستی و اردن در سال ۱۹۹۴، امارات متحده عربی سومین کشور عربی و اولین کشور حوزه خلیج فارس در عادی‌سازی روابط رسمی با رژیم صهیونیستی است. برقراری روابط رسمی دوجانبه ریشه در همکاری‌های پنهان و نیمه‌آشکار این دو بازیگر منطقه‌ای داشته است که این مناسبات و ائتلاف با توجه به شرایط ویژه پیامدهای امنیتی برای منطقه و جمهوری اسلامی ایران دارد.

عادی شدن روابط اعراب خلیج فارس با صهیونیست‌ها در گام نخست به فراموشی آرمان قدس از سوی آنان منجر خواهد شد و در گام دوم، خلیج فارس را جولانگاه نظامی امنیتی و اقتصادی رژیم صهیونیستی خواهد کرد که تأثیر زیادی علیه منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. با دخالت آمریکا، توافق ابراهیم منجر به عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی شد و در واقع همگرایی و ائتلاف برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به صورت آشکار و علنی شکل گرفت و خطر مشترک جمهوری اسلامی ایران و مقاومت بستر ساز اصلی این ائتلاف برای امارات و رژیم صهیونیستی گردید. رژیم صهیونیستی آشکارا به دنبال دور کردن مواضع متزلزل سیاسی و ژئوپلیتیک از مرزهای سرزمین‌های اشغالی است تا در ادامه با نفوذ هر چه بیشتر به خلیج فارس از سه فرصت استثنایی دستیابی به آب‌های آزاد جهان، ثروت بی‌شمار اعراب اعم از نفت و گاز و در نهایت پایگاه‌های نظامی آنان علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

ضرورت این تحقیق از آن حیث که با عدم انجام آن تبعاتی دامن گیر خواهد شد؛ نخست آنکه؛ در صورت عدم تحقق آن ممکن است با فقدان دانش لازم در حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی و راهبردی مواجه شده و در موقعیتی که نیاز ویژه‌ای به شناخت علمی و روش‌مند حوزه‌های مرتبط با دیپلماسی منطقه‌ای وجود دارد، از دستیابی به الگوهای مؤثر و طرح‌ها و راهبردهای مناسب در این زمینه باز بمانیم. دوم؛ عدم ارزیابی صحیح روابط امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی، زمینه را برای کنشگری فعال رژیم صهیونیستی و سایر رقبای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد و تأثیر بر امنیت ملی ایران خواهد داشت.

سوم؛ شناخت ناکافی و عدم بررسی جامع و به‌موقع مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی مانع جدی برای برنامه‌ریزی مؤثر در برابر تبعات و پیامدهای امنیتی این روابط علیه ایران است. چهارم؛ در صورت عدم توجه به چالش‌های امنیتی محتمل عادی‌سازی روابط کشور امارات با رژیم صهیونیستی، ضریب آسیب‌پذیری جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد یافت. پنجم؛ با توجه به نزدیک شدن رژیم صهیونیستی به حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس و اتخاذ سیاست سازش و ضد مقاومت دولت امارات متحده عربی و همسویی و همراهی با دشمنان جمهوری اسلامی ایران، ضرورت شناخت روابط امنیتی این کشور با رژیم صهیونیستی برای جمهوری اسلامی ایران از اولویت‌هاست و چنانچه این شناخت دقیق نباشد، نمی‌توان راهبردهای مقابله‌ای ارائه نمود. ششم؛

موجب غافلگیری و عدم پیش‌بینی به‌موقع اقدامات رژیم صهیونیستی با همکاری کشور امارات علیه جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و عدم بررسی و شناخت همکاری‌های امنیتی میان امارات و رژیم صهیونیستی منجر به تشکیل ائتلاف و همکاری‌های علنی و آشکار در منطقه خواهد شد. هفتم؛ بی‌توجهی به عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی موجب ایجاد شکاف و انشقاق در جهان اسلام و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه می‌گردد و این احتمال وجود دارد که عادی‌سازی روابط باعث مشروعیت رژیم و انزوای نسبی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شود. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش تدوین راهبردهای مقابله با مناسبات امنیتی حاکم بر روابط رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی است؛ و این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی، راهبردهای مقابله جمهوری اسلامی ایران در پرتو مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی کدام است؟

مبانی نظری

مفهوم شناسی

مناسبات امنیتی: هر نوع فعالیت، تعامل و روابط کشورها در حوزه امنیتی، در واقع طیفی از روابط دو یا چندجانبه است که در طول زمان شکل گرفته و ماهیتی مبتنی بر همکاری و رقابت در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارد.

مناسبات امنیتی رژیم صهیونیستی و امارات: به کلیه مناسباتی اطلاق می‌گردد که امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و اشکال مختلف دیپلماسی آشکار، دیپلماسی پنهان، مبادلات تسلیحاتی و دیپلماسی امنیتی (فروش تجهیزات جاسوسی و اطلاعاتی به امارات برای جاسوسی) به تعامل می‌پردازند.

منظور از مناسبات امنیتی امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در این مقاله، اعمال رفتارها و مناسبات متقابل امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی پسا عادی‌سازی در ابعاد امنیتی است که پیامد و تأثیر منفی بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۲۴).

راهبرد: راهبرد به معنای آن است که باید برای آینده آماده بود و اصولاً راهبردی که به آینده معطوف است، به معنای داشتن برنامه برای تأثیرگذاری و شکل دادن آینده است. راهبرد باید آینده غیرقابل پیش‌بینی را پیش‌بینی کند و برای مقابله با تحولات آتی آمادگی داشته باشد (امینیان، ۱۳۹۱: ۱۵). راهبرد علم و فن توسعه و به کار بردن قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی - هنگام جنگ و صلح - به منظور تأمین حداکثر حمایت از سیاست‌های ملی و افزایش احتمالات و نتایج مطلوب برای پیروزی و تقلیل احتمال شکست است (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۴۹).

راهبردهای مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران: راهبردهای مقابله با پیامدهای امنیتی ناشی از تأثیرات و تبعات، روابط امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله یا خنثی‌سازی پیامدهای ناشی از مناسبات امنیتی رژیم صهیونیستی و امارات اطلاق می‌شود (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۲۵).

دیپلماسی پنهان رژیم صهیونیستی در «توافق ابراهیم»

دیپلماسی پنهان همواره بخشی از کارنامه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی بوده است. کاربست این نوع از دیپلماسی را از لحاظ تاریخی باید قبل از تأسیس رسمی این رژیم دانست. روابط مبتنی بر دوستی و نسبت‌های خویشاوندی که نفوذ برخی از یهودیان صهیونیست در میان سیاستمداران را موجب شده بود، در حمایت دولت‌های بزرگ از تأسیس دولت یهود نقش بسزایی داشت. تجربه موفق چنین روابط پشت پرده پس از تأسیس اسرائیل نیز ادامه پیدا کرد به گونه‌ای که این رژیم از آغاز تأسیس تاکنون، بارها از این مسیر برای دستیابی به اهدافی که در نگاه نخست، گزینه‌ای دشوار و دست‌نیافتنی می‌نمود، بهره گرفته است. تأسیس رژیم صهیونیستی برخلاف روندهای مشروع و مقبول دولت-ملت‌سازی که محیط بیرونی تهدیدزا، رویکرد خصمانه کشورهای پیرامونی و فقدان پیوندهای رسمی دیپلماتیک را در پی داشت، مهم‌ترین دلیل اتکای این رژیم به دیپلماسی پنهان بوده است (احمدی، ۱۴۰۲: ۲۱۷-۱۸۵).

توافق ابراهیم^۱ به صورت رسمی برای نخستین بار توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۲۳ مرداد ۹۹ (۱۳ آگوست ۲۰۲۰) برای اشاره به بیانیه مشترک این کشور، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی به کار گرفته شد. این بیانیه اولین عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی

1 Abraham Accord

و امارات متحده عربی بعد از توافق با مصر در سال ۱۹۷۹ و اردن در سال ۱۹۹۴ است. متعاقباً این اصطلاح برای توافق‌نامه‌های میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و نیز توافق عادی‌سازی روابط میان این رژیم و بحرین به کار گرفته شد. امضای توافق‌نامه‌های ابراهیم توسط عبدالله بن زاید آل‌نهیان وزیر امور خارجه امارات، عبدالطیف بن راشد الزیانی وزیر خارجه بحرین، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۵ شهریور ۹۹ (۱۵ سپتامبر) در کاخ سفید صورت گرفت (اختیاری امیری، ۱۴۰۰: ۳۸-۳۹).

رئیس‌جمهور آمریکا که تلاش داشت عادی‌سازی روابط کشورهای عربی موسوم به توافق ابراهیم با رژیم صهیونیستی به‌عنوان دستاوردهای دیپلماتیک در کارنامه وی ثبت شود، چندی بعد یعنی در آبان ماه ۹۹ از عادی‌سازی روابط سودان و رژیم صهیونیستی خبر داد. سودان که در ازای این توافق از فهرست کشورهای حامی تروریسم آمریکا حذف و از کمک‌های اقتصادی این کشور و نیز بخشش بخشی از بدهی‌های خود به بانک جهانی بهره‌مند شد، در دی‌ماه ۹۹ توافق ابراهیم را امضا کرد.

با ازسرگیری روابط میان رژیم صهیونیستی و مراکش در اواخر آذر، این کشور چهارمین کشوری شد که به توافق ابراهیم پیوست. این دو تا قبل از سال ۲۰۰۰، روابط سطح پایین و غالباً مخفیانه‌ای را تجربه کرده بودند. آمریکا در ازای امضای این توافق، متعهد به رسمیت دادن ادعای مالکیت مراکش بر صحرای غربی شد. یونان پنجمین کشور و البته شاید کم‌اهمیت‌ترین کشوری بود که عادی‌سازی روابط آن و رژیم صهیونیستی به‌عنوان حلقه دیگری از زنجیر توافق‌نامه‌های ابراهیم تعریف شد. توافق‌نامه عادی‌سازی بین سفرای دو کشور در هند در اواخر سال ۲۰۲۰ امضا شد.

دانه‌های توافق ابراهیم در تحولات منطقه موسوم به بهار عربی کاشته شد. زنجیره اعتراضات داخلی که به‌صورت جدی حکومت بسیاری از دولت‌های شکننده منطقه را تهدید کرده بود، حاکمان کشورهای عربی را به این نتیجه رساند که منشأ تهدیدات امنیتی را نه از بیرون بلکه در داخل مرزهای کشورشان جستجو کنند. در این میان، برگ برنده به رژیم صهیونیستی تعلق گرفت زیرا به‌زعم حاکمان کشورهای عربی، غفلت از تهدید گروه‌های مخالف و معترض داخلی، ناشی از تمرکز زیاد از حد بر درگیری سیاسی با اسرائیل بوده است (احمدی، ۱۴۰۲: ۲۱۷-۱۸۵).

حضور رسمی نمایندگان رژیم صهیونیستی در امارات، نقطه عطف مهمی در پیشبرد دیپلماسی پنهان صهیونیست‌ها و فرصتی برای ارتقای روابط مخفیانه به مرحله عادی‌سازی تلقی شد. یکی از روزنامه‌های صهیونیستی در آن زمان به این مسئله اشاره کرد و نوشت: «مأموریت اسرائیل در امارات چیزی فراتر از پل‌های خورشیدی است» (Hendrix, 2020.08.14).

اهداف امارات متحده عربی از عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی

به صورت کلی می‌توان اهداف راهبردی امارات متحده عربی از عادی‌سازی یا آشکار روابط با رژیم صهیونیستی را در سه حوزه اصلی بیان نمود.

الف) حوزه سیاسی: امارات از لحاظ جایگاه قدرت در نظام بین‌الملل به عنوان یک کشور کوچک معرفی می‌شود. قدرت‌های کوچک درصدد آن هستند که با همراهی و دنباله‌روی از سیاست و منافع قدرت‌های بزرگ، جایگاه خود را در این نظام بهبود بخشند تا بتوانند در معادلات و تحولات اولاً منطقه‌ای و ثانیاً فرامنطقه‌ای بازیگری مؤثرتری از خود نشان دهند. امارات به دلیل وابستگی دفاعی - امنیتی به قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا، برای بهبود و ارتقای سطح مدیریت داخلی و با توجه به حمایت بالای مادی و معنوی غرب از رژیم صهیونیستی، برای توازن میان این دو مسئله، با هدف جلب رضایت آمریکا مانند بسیاری از رژیم‌های محافظه کار منطقه عادی‌سازی روابط با رژیم را در دستور کار قرار داد (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۱۲۴).

ب) حوزه امنیتی: امارات بیش از نه میلیون نفر جمعیت دارد، اما ۸۹ درصد از این جمعیت را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند (Edarabia, 2019)؛ پس این کشور نیروی انسانی کافی برای نقش‌آفرینی در منطقه خصوصاً در بحران‌های آن را ندارد. با وجود اینکه امارات از واردکنندگان اصلی تسلیحات در جهان است، اما ارتش قدرتمندی ندارد و عمده دفاع این کشور متکی بر پایگاه‌های آمریکایی مستقر در آن است.

ج) حوزه اقتصادی: امارات نقش ویژه‌ای در دیپلماسی اقتصادی رژیم صهیونیستی ایفا می‌کنند. امارات نقطه ثقل تجاری رژیم صهیونیستی، عربستان بیشتر نقش یک کنشگر و تسهیل‌کننده سیاسی، قطر به عنوان پشتیبان سرمایه‌گذاری و اردن به مثابه تسهیل‌گر ژئوپلیتیک در راهبرد دیپلماسی اقتصادی این رژیم نقش‌آفرینی می‌کنند (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۱۲۴).

اهداف رژیم صهیونیستی از توسعه و عادی‌سازی مناسبات

رژیم صهیونیستی برای بقا و حفظ موجودیت خود نیاز به دو اصل ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای و هویت بخشی به خود دارد، این دو گزاره به گونه‌ای مکمل یکدیگرند؛ یعنی رژیم صهیونیستی با ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای نوعی از ناامنی را در منطقه ایجاد می‌کند که به سوق یافتن کشورهای مختلف به سمت این رژیم منجر می‌شود. این راهبرد در کنار سناریوی ترس از ایران دو عامل مهم برای صهیونیست‌ها بوده است. اهداف رژیم صهیونیستی از عادی‌سازی روابط را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

رژیم صهیونیستی، به لحاظ موقعیت و وضعیت خاص خود به‌ویژه فقدان عمق راهبردی و آسیب‌پذیری ناشی از تهدیدات امنیتی، برتری نظامی بر سایر کشورهای منطقه داشت که با اتکای آن می‌توانست خواسته‌ها و اهداف خود را تأمین کند (شادمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). رژیم صهیونیستی، همواره دولت جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). برای تحقق این امر، رژیم صهیونیستی در ابتدا هرچند با ماهیت فقط سیاسی، با برخی از کشورهای عربی از جمله مصر، اردن و برخی گروه‌های فلسطینی، پیمان صلح امضا کرد و در ادامه به‌صورت پنهانی با اکثریت کشورهای عربی وارد فاز تنش‌زدایی شد، اما وجود حوادثی در دهه‌های ابتدایی قرن جدید از جمله تشکیل گروه‌های مقاومت در منطقه توسط ایران، توافق جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های جهانی برای فعالیت‌های هسته‌ای و غیره، این مذاکرات را به سمت علنی شدن و همه‌جانبه شدن سوق داد (زیبایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۱-۶۲).

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس تا به امروز، با مشکلات و بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مواجه بوده است. وجود این بحران‌ها در ادوار گوناگون، هرکدام به‌نوعی تأثیر منفی بر روی جامعه رژیم صهیونیستی گذاشته‌اند؛ بنابراین تحت تأثیر این بحران‌ها، شاهد نارضایتی اقتصادی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر بوده‌ایم. سیاست‌های نظامی - امنیتی، (مانند افزایش بودجه دفاعی)، اختلافات در عرصه سیاسی در سال‌های اخیر، همواره گریبان‌گیر رژیم بوده است؛ به شکلی که حجم تهدیدات داخلی، بیشتر از تهدیدات خارجی عنوان می‌شود. در چنین شرایطی، سران رژیم صهیونیستی برای فرار از بحران سعی کرده‌اند، با منحرف کردن افکار عمومی به سمت مسائل خارجی به‌ویژه تهدیدات ایران و

بهبود روابط با کشورهای عربی، این احساس را تلقین کنند که رژیم صهیونیستی دیگر دشمن درجه یک اعراب نیست.

رژیم صهیونیستی که همواره تمام کشورهای اسلامی را به عنوان دشمن تلقی می‌کند، سعی در تخلیه تمامی وزنه‌های راهبردی این کشورها داشته و سعی می‌کند این کشورها را در مقابل یکدیگر قرار دهد (زیبایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱)؛ بنابراین رژیم صهیونیستی به دنبال اجماع عربی برای پیشبرد اهداف خود به خصوص در طرح معامله قرن است، این رژیم مترصد اجماع عربی بر اساس طرح معامله قرن برای خاتمه دادن به موضوع فلسطین است و قصد دارد سناریو عادی‌سازی روابط به سایر کشورهای عربی هم تعمیم یابد.

محیط‌شناسی و ارزیابی محیطی

با بررسی اصول مشترک نظریه واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی، واقع‌گرایی کلاسیک و نوکلاسیک، نواقح‌گرایی تهاجمی و تدافعی، نقش، هویت، امنیت منطقه‌ای و همچنین بررسی و مطالعه منطقه غرب آسیا و تحولات آن اهمیت نظریه موازنه قوا و موازنه تهدید جهت تبیین مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی و توضیح نحوه رفتار و سیاست خارجی آن‌ها را نشان می‌دهد. از طرفی فرضیه‌های مطرح در نظریه نواقح‌گرایی تدافعی در خصوص توضیح ائتلاف امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، علل و عوامل ایجاد اتحاد و ائتلاف بین کشورها، با توجه به نظریه‌های مطرح شده بر موضوع بحث یعنی زمینه‌ها، ریشه‌ها و بسترهای گرایش امارات متحده عربی به ایجاد ائتلافی امنیتی با رژیم صهیونیستی و بالعکس مصداق تام و تمام دارد.

با بررسی سیاست اتحادسازی امارات و رژیم صهیونیستی باید نتیجه گرفت این دولت‌ها بی‌توجه به شباهت‌ها یا عدم شباهت‌های ایدئولوژیک و اجتماعی-فرهنگی و در راستای منافع راهبردی خود اقدام به اتحادسازی نموده‌اند. تصور تهدید مشترک از ایران، موجب نزدیکی امارات و رژیم صهیونیستی گردید. از این رو می‌توان گفت نظریه‌های قدرت در چارچوب پارادایم رئالیسم توانایی تبیین بیش‌تری برای این اتحاد دارند. برای بررسی تأثیر این اتحاد یا تبعات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بهترین نظریه‌ای نوین که می‌تواند نوع الگوهای روابطی که اکنون بین امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی وجود دارد را تبیین کند و تأثیراتی را که این

توسعه مناسبات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خواهد گذاشت را بررسی نماید، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان خواهد بود که در ادامه پژوهش به صورت کلی و با توجه به ویژگی‌ها و ساختار مجموعه امنیتی منطقه‌ای بخصوص (الگوهای دوستی - دشمنی و اهداف هریک از توسعه مناسبات و وجود قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ...) سعی خواهد شد، با جمع‌بندی مطالب گفته شده، به سؤال پژوهش پاسخ داده شود و راهبرد مقابله‌ای تدوین گردد.

بر اساس تئوری استفن والت، مهم‌ترین عاملی که از یک سو امارات متحده عربی را نسبت به سرعت بخشیدن به روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی متقاعد کرده و از سوی دیگر صهیونیست‌ها را به ائتلاف با امارات متحده عربی، ترغیب نموده است، ایجاد موازنه علیه جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت می‌باشد. بر اساس تئوری نو واقع‌گرایی ته‌اجمی مرشایمر، دولت‌ها در جهانی سرشار از تهدید زندگی می‌کنند و به دنبال افزایش قدرت خود در جهت تأمین امنیت و بقا هستند.

از طرفی هویت مفهوم مرکزی در تئوری‌های کنونی روابط بین‌الملل به خصوص در انواع سازه‌انگاری است که عمل سیاسی معمولاً با ارجاع به هویت کشور توضیح داده می‌شود. منافع به صورت اجتماعی بر ساخته می‌شود و منافع هر کشور وابسته به هویت آن است؛ ما نمی‌دانیم منافعمان چیست تا ندانیم چه کسی هستیم. ارزش‌ها و هنجارها به هویت‌ها در قلمرو سیاست داخلی و بین‌المللی شکل می‌دهد. میان هویت و نقش، نوعی خلط مبحث پدید می‌آید؛ اما هویت در مقایسه با نقش منبع معنایی نیرومندتری است زیرا دربرگیرنده فرایندهای ساختن خویش و فردیت یافتن است. در واقع هویت سازمان دهنده معناست ولی نقش سازمان دهنده کارکرد کنشگر است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳-۲۲). براین اساس به نظر می‌رسد تقابل امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران کارکردی و تقابلی رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران معنایی است (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۱۲۴).

به تعبیر دیگر برای تبیین تعارض امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران و بیان چرایی هراس و ادراک تهدید انگارانه از مؤلفه‌های هویت، قدرت و سیاست، نسبت به جمهوری اسلامی ایران شناخت روح حاکم بر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. هویت جمهوری اسلامی ایران همان آموزه‌های انقلابی است و قدرت جمهوری اسلامی

ایران ترکیبی از مسائل ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی است و سیاست جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های مقاومت است که همسو با فطرت جوامع و اهداف نهضت‌های آزادی‌بخش شکل گرفته است. نگرانی رژیم صهیونیستی از هویت انقلابی جمهوری اسلامی ایران در تعارض با هویت رژیم صهیونیستی است که انقلاب اسلامی ایران را تهدید و وجودی می‌پندارند، (البته جمهوری اسلامی ایران این رژیم غاصب را بارها به صورت علنی و آشکار تهدید نموده است). تعارض هویتی باعث شده رژیم صهیونیستی برای برون‌رفت از بحران بقا به دنبال موازنه قدرت برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران باشد و با ائتلاف‌سازی و اتحادسازی در منطقه می‌خواهد برای پوشش گذاشتن بر ضعف‌ها و حفظ بقا و توسعه حوزه نفوذ خود به‌عنوان بازیگر مشروع منطقه‌ای نقش فعال داشته باشد و ضمن خنثی‌سازی تهدید ایران دومینوی مشروعیت^۱ را به تدریج در جهان اسلام تکمیل نماید و در نقطه مقابل حفظ محور مقاومت، جزء اصلی دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

عادی‌سازی روابط برای رژیم صهیونیستی علاوه بر امنیت محیط پیرامونی، مؤلفه مهمی در تقویت امنیت هویتی این رژیم قلمداد شده هرچند امنیت هستی‌شناختی بیشتر از آنکه برای تبیین همکاری و دیپلماسی به کار رفته باشد، کاربستی برای تبیین تعارضات و مناقشات طولانی‌مدت بوده است، اما موقعیت خاص هویتی این رژیم ایجاب می‌کند که مشروعیت و حقانیت موجودیت خود از سوی سایر بازیگران را به صورت مستمر بازنمایی کند. این موضوع نه تنها در راستای برقراری امنیت پیرامونی این رژیم، معضل کشورهای عربی را به‌عنوان یک کل جغرافیایی تهدیدآمیز از میان می‌برد بلکه پرسش‌ها و شائبه‌های گفتمان عمومی این رژیم در قبال نحوه تأسیس و موجودیت دولت یهود را در جهت تقویت هویت صهیونیستی، بی‌اثر می‌سازد.

بنابراین می‌توان گفت ادراک تهدید مشترک، نیاز به همگرایی به دلیل احساس افزایش تهدید، تعارض هویتی، تعارض منافع، ایجاد موازنه علیه قدرت هژمون، خروج آمریکا از منطقه و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا برای ایجاد ساختار امنیتی جدید عواملی هستند که منجر به سرعت گرفتن روند همگرایی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی شده است.

1 Legitimacy

از منظر امارات و رژیم صهیونیستی ایران از همه ویژگی‌های تهدیدزایی که استغفار والت بر آن‌ها تأکید دارد، یعنی قدرت، توانمندی نظامی، مجاورت جغرافیایی و نیات تجاوزکارانه احتمالی برخوردار است. مطالعات والت بر روند اتحادها و ائتلاف‌ها نشان می‌دهد که کشورها نه در مقابل قدرت بلکه در مقابل تهدید دست به توازن می‌زنند؛ بنابراین، برای مقابله با تهدیدات ایران علیه منافع و امنیت خود، تل‌آویو سیاست موازنه تهدید و ابوظبی سیاست موازنه قدرت را اتخاذ نموده تا توازن منطقه‌ای حفظ شود.

اقدام امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی جهت عادی‌سازی مناسبات را برآیند مجموعه‌ای از علل و عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر نقش نخبگان دو کشور، اولویت‌های اقتصادی - تجاری، سیاست‌های حمایتی ایالات متحده و همچنین مسائل منطقه‌ای باید دانست که عمدتاً در طول یک دهه اخیر آن‌ها را به سمت همگرایی و اتحاد سوق داده است. در این میان، قدرت روزافزون و ادراک تهدید مشترک از سوی ایران عامل پیشران مهمی در نزدیکی دو کشور محسوب می‌گردد که با اقدامات ضد ایرانی آمریکا و تغییرات در ساختار امنیتی خاورمیانه قابل درک است. بر همین اساس، رهبران امارات متحده عربی در جستجوی متحدی بوده‌اند که در مورد سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همچنین تهدیدات خارجی درک مشترکی با ابوظبی داشته باشد و از طرفی از نظر جغرافیایی با این کشور هم‌مرز نباشد تا از تهدیدات ژئوپلیتیکی فاصله گیرد تا بتوانند ضمن برون‌رفت از تنگناها نقش اساسی در ترتیبات امنیتی منطقه داشته باشند. از طرف دیگر رژیم صهیونیستی هم با توجه به مشکلات ساختاری و حضور در منطقه‌ای پرتنش که تهدیدات ذاتی‌ای را بر آن تحمیل نموده، تلاش کرده است تا با حضور در اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و نزدیکی به حلقه سوم تهدید خود یعنی ایران و یمن، به سیاست خارجی خود تحرک بیشتری بخشد و نهایتاً بقا و امنیت خود را در محیط آنارشیک فعلی تأمین و به نقش و بازیگری خود در منطقه مشروعیت دهد. رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از دکترین اتحاد پیرامونی و به‌روزرسانی آن، سعی دارد تا حلقه‌ای استراتژیک حول اصلی‌ترین دشمن خود یعنی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند.

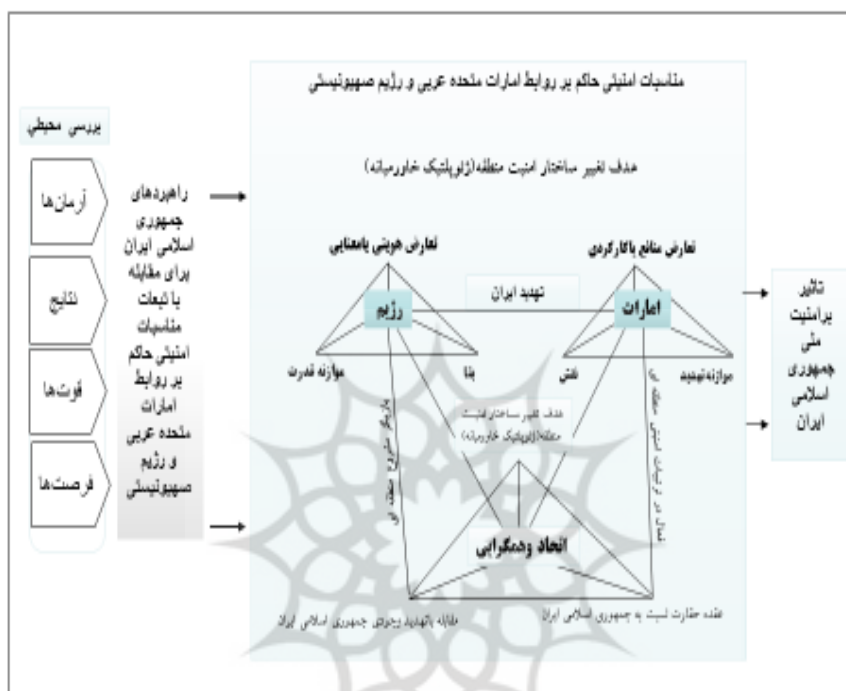
در یک جمع‌بندی با بررسی پیشینه پژوهش‌ها قبلی و بنا به عقیده بسیاری از کارشناسان، دلیل منازعه ایران با رژیم صهیونیستی، تعارض هویتی و عدم مشروعیت تاریخی و جغرافیایی رژیم

صهیونیستی است که به صورت آشکار رهبران جمهوری اسلامی ایران این موضوع را اعلام کرده‌اند. رژیم صهیونیستی نیز که ایران را مهم‌ترین تهدید امنیتی خود می‌داند، دکترین پیرامونی را از محاصره دول عربی در حلقه اول تهدید خود به محاصره ایران تغییر داده است و با استفاده از استراتژی ضلع هشتم (توافقات و هم‌پیمانی‌های منطقه‌ای) عادی‌سازی و توسعه روابط و انتقال تهدید به مرزهای شمالی و جنوبی ایران در جهت مقابله با تهدیدات از جمله خطرات جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های انقلابی و مقاومت منطقه همچون حزب‌الله اقدام نموده تا از طریق موازنه قدرت با ایران و جبهه مقاومت، سیاست خارجی کشورهای پیرامون از جمله امارات متحده عربی را با سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قضایای مربوط به فلسطین، صلح خاورمیانه و غیره همسو نماید.

با بررسی اصول مشترک نظریه واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی، واقع‌گرایی کلاسیک و نوکلاسیک، نواقح‌گرایی تهاجمی و تدافعی و همچنین بررسی و مطالعه منطقه غرب آسیا و تحولات آن اهمیت نظریه موازنه قوا و موازنه تهدید جهت تبیین مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی و توضیح نحوه رفتار و سیاست خارجی آن‌ها را نشان می‌دهد. از طرفی فرضیه‌های مطرح در نظریه نواقح‌گرایی تدافعی در خصوص توضیح ائتلاف امارات و رژیم صهیونیستی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران علل و عوامل ایجاد اتحاد و ائتلاف بین کشورها، با توجه به نظریه‌های مطرح شده بر موضوع بحث یعنی زمینه‌ها، ریشه‌ها و بسترهای گرایش امارات متحده عربی به ایجاد ائتلافی امنیتی با رژیم صهیونیستی و بالعکس مصداق کامل و تمام دارد.

بنابراین فرآیند عادی‌سازی مناسبات امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی، علاوه بر آن که تحولاتی ملموس در معادلات امنیتی منطقه به صورت ساختاری ایجاد خواهد کرد، به صورت خاص با توجه به اهداف هر یک از توسعه مناسبات خود با یکدیگر، پیامدهای نوینی و اثرات امنیتی منفی بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت و با توجه به برداشت‌های متفاوت امارات و رژیم صهیونیستی از تهدید و قدرت ایران علیه امنیت خود که ابوظبی به دنبال موازنه تهدید و تل‌آویو به دنبال موازنه قدرت از طریق عادی‌سازی روابط دوجانبه هستند، به نظر می‌رسد راهبردهای مقابله‌ای برای هر کدام از بازیگران لازم ولی متفاوت است و تمرکز اقدام

عملی باید بر رژیم صهیونیستی باشد. در نمودار زیر، ارتباط میان نظریه با متغیرهای اساسی تحقیق مورد اشاره قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۴۰۲: ۱۳۸-۱۵۱).



فرآیند تدوین راهبرد مدل مواجهه با تبعات مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی

شکل ۱: تدوین راهبرد

قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و نتایج مورد انتظاری جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی که در مصاحبه با صاحب‌نظران، خبرگان و کارشناسان در راستای مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی استخراج شد، به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱: قوت‌های ج.ا.ایران در قبال مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی

قوت‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی	
۱	توان تأثیرگذاری ج.ا.ایران بر گروه‌های همسو و جنبش‌های مقاومت

۲	برخورداری از قدرت بری و بحری و اشراف و تسلط ج.ا.ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز
۳	همبستگی داخلی در مقابل تهاجم خارجی و جریان‌های تجزیه‌طلب
۴	پیشرفت‌های علمی، خودباوری و خوداتکایی (در حوزه نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، توانمندی پهبادی، موشکی و ...) با اعتمادبه‌نفس ملی در شرایط تحریم
۵	امنیت درون‌زا و بهره‌مندی از نیروهای نظامی و امنیتی مقتدر، کارآمد، متعهد و با تجارب نظامی و دفاعی ارزشمند
۶	توان ایجاد ائتلاف و اتحادهای امنیتی و دفاعی
۷	ساختار منسجم نیروهای مسلح و دست برتر در ثبات و تأمین امنیت کشور

جدول ۲: فرصت‌های موجود برای ج.ا.ایران در قبال مناسبات حاکم بر روابط امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی

فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی	
۱	وجود گروه‌های مدافع انقلاب اسلامی ایران در خارج از کشور
۲	منازعه و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تأثیرگذار بر توازن قدرت در غرب آسیا
۳	وجود ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی پایبند به آرمان فلسطین، مخالف سازش و متنفذ از رژیم صهیونیستی در همه جوامع و ادیان
۴	اختلاف و رقابت امارات با عربستان سعودی
۵	فقدان ملت‌سازی، اکثریت جمعیت مهاجر ناهمگون غیربومی با بحران هویتی (کمبود جمعیت بومی و اصیل، محیط نامتجانس) در رژیم صهیونیستی و امارات
۶	تزلزل در محیط امنیتی پیرامون و اختلاف با کشورهای همسایه (اختلاف ایدئولوژیک، مرزی و ارضی امارات با کشورهای هم‌جوار عمان، عربستان، قطر، بحرین و مخالفت عمان و قطر از اقدام‌های تنش‌زای امارات با ایران)
۷	اختلاف دیدگاه، تعارض و تقابل درونی بین عناصر قدرت در امارات (اختلاف میان شیوخ امارات، استیلای ابوظبی، شکاف قبیله‌ای، تسخیر ثروت توسط بن‌زائد، توزیع قدرت سیاسی نامتناسب و کسب حمایت‌های خارجی امارت‌ها در برابر ابوظبی)
۸	ضعف عمق راهبردی، خط ساحلی طولانی با وجود تهدیدهای دریایی بالا، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی و وابستگی توان اعمال قدرت امارات به نفت)
۹	تغییر و تحولات اجتماعی و دسترسی بالای مردم و نخبگان عرب به شبکه‌های اجتماعی

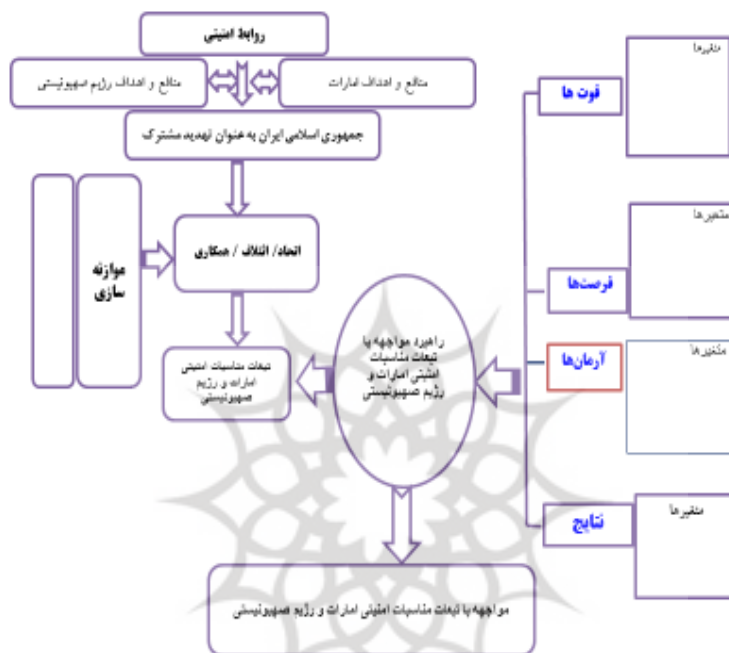
جدول ۳: آرمان‌های ج.ا.ایران در قبال مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی

آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی	
۱	وحدت و انسجام جهان اسلام در مسئله فلسطین و انزوای رژیم صهیونیستی
۲	شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید (تشکیل رژیم امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای)
۳	شکل‌گیری توافقی‌ها، شراکت‌ها، پیمان‌ها و ترتیبات جدید در مقابل ائتلاف‌های رژیم صهیونیستی
۴	گسترش فرهنگ تقابل با رژیم صهیونیستی از بین رفتن فضای ایران هراسی

جدول ۴: نتایج مورد انتظار ج.ا.ایران در قبال مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی

نتایج مورد انتظار ج.ا.ایران در مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی	
۱	تهییج مردم و نخبگان جهان عرب برای مبارزه و نفرت از رژیم صهیونیستی
۲	تغییر یا بهبود نگاه نخبگان امارات به جمهوری اسلامی ایران و افزایش آگاهی نخبگان با ماهیت و اهداف رژیم صهیونیستی
۳	شکل‌دهی جریان موازنه منطقه‌ای علیه عادی‌سازی و خنثی و بی‌اثر سازی ائتلاف علیه ایران
۴	کنترل و مهار تحرکات ناشی از پیامدها و تبعات عادی‌سازی
۵	افزایش تعامل و گفتگوها با علما و نخبگان جهان عرب برای مقابله با سازش و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی
۶	افزایش هزینه‌های عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی برای امارات
۷	فعال‌سازی نقاط اختلاف امارات و عربستان و کاهش تعامل و وابستگی
۸	بستر سازی تحریک شکاف‌ها و تقویت تقابل در امارت‌های هفتگانه (گریز از مرکز)
۹	اعتماد سازی، ایجاد وابستگی، تقویت و گسترش همکاری‌ها، توافق‌ها و پیوندهای امنیتی و اقتصادی ایران با امارات از موضع قدرت
۱۰	متنوع‌سازی روابط، تنش‌زدایی، تقویت سیاست همسایگی و توافقات چندجانبه با کشورهای همسایه (به‌ویژه حوزه خلیج فارس)
۱۱	زوال‌انگاری رژیم صهیونیستی و شکل‌دهی انتفاضه جدید علیه آن با تمرکز بر نقاط آسیب‌پذیر داخلی سرزمین‌های اشغالی
۱۲	تنش‌زدایی هوشمند توأم با حفظ ادبیات قدرت و عدم تقابل مستقیم با امارات
۱۳	افشاگری و اختلال در اهداف تبلیغاتی و رسانه‌ای رژیم صهیونیستی در موضوع عادی‌سازی
۱۴	تسلیح، توسعه و انسجام گروه‌های فلسطینی برای مبارزه با رژیم صهیونیستی

بر اساس مدل نظری مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی و راهبرد مواجهه با تبعات مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی همچنین محیط‌شناسی صورت گرفته، مدل مفهومی زیر در خصوص موضوع پژوهش ارائه می‌شود:



شکل ۲: راهبرد مواجهه با تبعات مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از حیث هدف کاربردی-توسعه‌ای محسوب می‌شود و از منظر ماهیت داده‌ها در شمار تحقیقات آمیخته (کمی و کیفی) است که با بهره‌گیری از نظرات خبرگان به اعتبارسنجی مدل مفهومی خود پرداخته است. از نظر روش‌شناسی بر اساس نوع مطالعه این تحقیق در زمره مطالعات میدانی اعتبارسنج است. به منظور تجزیه و تحلیل روشمند داده‌های گردآوری‌شده، در بخش اعتبارسنجی یافته‌ها ضمن بهره‌مندی از مصاحبه عمیق با خبرگان موضوع، نظرات آنان در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته اخذ گردیده نظرات آنان مبنای تدوین راهبردهای محیط-پایه SOAR قلمداد شده است.

با بررسی‌های انجام شده و اعمال نظر اساتید راهنما و مشاور حجم جامعه آماری این تحقیق مطابق جدول (۵) به صورت تمام شمار ۴۰ نفر می‌باشد.

جدول ۵: حجم جامعه آماری

ردیف	نام جامعه	تعداد
۱	مدیران و کارشناسان جامعه‌ی اطلاعاتی	۸
۲	پژوهشگران و اساتید دانشگاهی صاحب‌نظر در حوزه مرتبط با موضوع	۱۲
۳	کارشناس خبره موضوع در شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه	۱۰
۴	خبرگان و کارشناسان متخصص نیروی قدس	۵
۵	سازمان فرهنگ و ارتباطات	۳
جمع		۳۸

از آنجاکه افراد خبره و صاحب‌نظر در حوزه مقابله با تبعات مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی محدود و اندک می‌باشند، با استفاده از روش گلوله برفی، تعداد ۴۰ نفر خبره شناسایی شد. با توجه به این که این تعداد محدود و کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشد، جامعه نمونه برابر با جامعه آماری تعریف گردید و به صورت تمام شمار محاسبه شد. لذا پرسشنامه‌ها برای ۳۸ نفر ارسال گردید. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی، از طریق مصاحبه با خبرگان پرسشنامه تنظیم شد که دارای ۳۵ سؤال می‌باشند. پرسشنامه که مربوط به عناصر چهارگانه SOAR بود در ده طبقه (۱ تا ۹) دسته‌بندی گردید، برای تعیین روایی بر اساس پرسشنامه عوامل محیطی که قوت‌ها، فرصت‌ها، آرمان‌ها و نتایج مورد انتظار را شامل می‌شود، با روایی صوری مورد تأیید اساتید قرار گرفت.

در جدول زیر مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه پژوهش به تفکیک مؤلفه‌ها آورده شده که نشان از تأیید پایایی پرسشنامه دارد. (جدول ۶)

جدول ۶: نتایج آزمون آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد	آماره آزمون
قوت‌ها	۸ سؤال	۰/۹۴۲
فرصت‌ها	۹ سؤال	۰/۹۰۸

آرمان‌ها و آرزوها	۴ سؤال	۰/۹۰۰
نتایج	۱۴ سؤال	۰/۹۵۹
کل سؤالات	۳۵ سؤال	۰/۹۲۲

در طراحی پرسشنامه از نظر صاحب‌نظران، استادان، متخصصان و خبرگان مرتبط با موضوع تحقیق استفاده و سپس بین آن‌ها توزیع شد. چون حجم نمونه آماری تحلیل بیشتر از ۳۰ نفر می‌باشد، لذا شرط پذیره آزمون آماری T تک نمونه‌ای که نرمال بودن داده‌هاست، برقرار می‌باشد. سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ برای هر کدام از عناصر SOAR محاسبه گردید که مقدار آن بزرگ‌تر از ۰/۷ به دست آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار و دارای روایی و پایایی مورد قبول می‌باشد.

سؤال پژوهش

۱- راهبردهای مقابله جمهوری اسلامی ایران در پرتو مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی کدام است؟

یافته‌های پژوهش

تعداد اعضاء نمونه آماری ۴۰ نفر است که به‌طور هدفمند انتخاب و برای آن‌ها پرسشنامه ارسال گردید. از این تعداد، ۳۸ نفر یعنی ۸۰ درصد اعضای نمونه آماری تحقیق، پرسشنامه را تکمیل و عودت دادند. ویژگی‌های این افراد به شرح زیر است (جدول ۸):
جدول ۷: آمار توصیفی نمونه آماری

درصد	فراوانی	
۲۸/۹	۱۱	کارشناسی ارشد
۷۱/۱	۲۷	دکتری
۱۰۰	۳۸	کل
۲۱/۱	۸	اطلاعاتی- امنیتی
۳۱/۶	۱۲	رده‌های دانشگاهی
۲۱/۱	۸	وزارت امور خارجه
۸/۹	۳	سازمان فرهنگ و ارتباطات

۱۸/۴	۷	سایر رده‌ها	زمینه فعالیت
۱۰۰	۳۸	کل	
۳۶/۸	۱۴	آموزشی - پژوهشی	
۲۱/۱	۸	اطلاعاتی - امنیتی	
۲۱/۱	۸	دیپلمات	
۲/۶	۱	فرهنگی	
۱۸/۴	۷	مستشاری	
۱۰۰	۳۸	کل	
۱۸/۴	۷	۱۰-۱۵ سال	سابقه خدمت
۱۳/۲	۵	۱۶-۲۰ سال	
۱۵/۸	۶	۲۱-۲۵ سال	
۱۵/۸	۶	۲۶-۳۰ سال	
۳۶/۸	۱۴	بالای ۳۰ سال	
۱۰۰	۳۸	کل	

جدول ۸: نتایج آزمون KS

نتایج	آرمان‌ها	فرصت‌ها	نقاط قوت	
۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	تعداد
۶/۱۷	۵/۶۹	۵/۵۶	۶/۳۵	میانگین
۱/۷۹۴	۲/۲۶۰	۱/۵۷۷	۱/۹۷۸	انحراف معیار
۰/۱۷۹	۰/۱۵۰	۰/۱۰۷	۰/۱۷۶	نتایج آزمون
۰/۰۰۴	۰/۰۳۰	۰/۲۰۰	۰/۰۰۸	سطح معناداری

سطح معناداری در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف که در جدول با Sig نمایش داده شده، چهار بعد کمتر از ۰/۰۵ است؛ یعنی توزیع داده‌ها برای این چهار بعد را با اطمینان بالایی غیر نرمال فرض کرد و از آزمون‌های نا پارامتریک بهره برد.

جدول ۹: نتایج آزمون t تک نمونه

ابعاد	t	Mean	Sig. (2-tailed)	95% Confidence Interval of the Difference	
				Lower	Upper

قوت‌ها	4.049	6.35	1.978	.67	2.03
فرصت‌ها	2.195	5.56	1.577	.04	1.08
آرمان‌ها	1.884	5.69	2.260	-.05	1.43
نتایج مورد انتظار	3.967	6.17	1.794	.57	1.77

اکنون با تقاطع نقاط قوت‌ها و فرصت‌ها برای دستیابی به نتایج مورد انتظار ذیل آرمان‌های احصاء‌شده، راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شود:

جدول ۱۰: راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تبعات مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده

عربی و رژیم صهیونیستی

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تبعات مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی	
راهبردهای تقویت دیپلماسی رسمی با رویکرد همگرایی و تقویت سیاست همسایگی	
عنوان راهبرد	راهبرد
راهبردهای تقویت دیپلماسی رسمی با رویکرد همگرایی و تقویت سیاست همسایگی و تنش‌زدایی	تقویت دیپلماسی رسمی با رویکرد همگرایی و تقویت سیاست همسایگی با گسترش روابط همسایگی و تنش‌زدایی، تقویت سیاست همجواری و توافقات چندجانبه با کشورهای همسایه (به‌ویژه حوزه خلیج فارس) و با تکیه بر حمایت و تقویت نیروهای نظامی و امنیتی در جهت استقلال و گسترش توانمندی‌های دفاعی با استفاده از تجارب نظامی و دفاعی ارزشمند در جهت تولید و تقویت امنیت درون‌زا و حمایت بیش‌ازپیش گروه‌های فلسطینی و مدافع انقلاب اسلامی و تسلیح، توسعه و انسجام آن‌ها برای مبارزه با رژیم صهیونیستی
راهبرد تقویت دیپلماسی رسمی با رویکرد همگرایی و تقویت سیاست همسایگی	ادبیات سازی در راستای تهدید رژیم صهیونیستی برای جهان اسلام و جهان عرب (رژیم غاصب) و زوال‌انگاری رژیم صهیونیستی و شکل‌دهی انتفاضه جدید علیه آن با تمرکز بر نقاط آسیب‌پذیر داخل سرزمین‌های اشغالی و با تکیه بر وجود ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی پاینده به آرمان فلسطین، مخالف سازش و متفر از رژیم صهیونیستی در همه جوامع و ادیان و استفاده از توان تأثیرگذاری ج ۱ ایران بر گروه‌های همسو و جنبش‌های مقاومت.
راهبردهای تقویت دیپلماسی رسمی با رویکرد همگرایی و تقویت سیاست همسایگی	تلاش برای ورود جهان اسلام به‌خصوص نخبگان و مفتی‌ها در این خصوص با استفاده از تهییج مردم و نخبگان جهان عرب برای مبارزه و نفرت از رژیم صهیونیستی و تغییر یا بهبود نگاه نخبگان امارات به جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر دسترسی بالای مردم و نخبگان عرب به شبکه‌های اجتماعی و وجود تنفر از رژیم صهیونیستی

در همه ادیان و مذاهب.	
شناسایی موانع احتمال پیشرفت روابط و برنامه ریزی برای رفع این موانع در راستای اعتمادسازی، ایجاد وابستگی، تقویت و گسترش همکاری‌ها، توافق‌ها و پیوندهای امنیتی و اقتصادی ایران با امارات از موضع قدرت از طریق برخورداری از قدرت بری و بحری و اشراف و تسلط ج ا ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز به منظور شکست راهبردهای رژیم در منطقه	راهبرد شناسایی موانع احتمال پیشرفت روابط و برنامه‌ریزی برای رفع این موانع
حمایت و اعتمادسازی و ایجاد حس همجواری و دوستی با تکیه بر زلزله در محیط امنیتی پیرامون و اختلاف با کشورهای همسایه (اختلاف ایدئولوژیک، مرزی و ارضی امارات با کشورهای همجوار عمان، عربستان، قطر، بحرین) با استفاده از امنیت درون‌زا و بهره‌مندی از نیروهای نظامی و امنیتی مقتدر، کارآمد، متعهد و با تجارب نظامی و دفاعی ارزشمند و ساختار منسجم نیروهای مسلح و دست برتر در ثبات و تأمین امنیت کشور	راهبرد حمایت و اعتمادسازی و ایجاد حس همجواری و دوستی
راهبردهای تقویت استفاده از تحریک مردم در منطقه و امارات	
راهبرد	عنوان راهبرد
تقویت استفاده از تحریک مردم در منطقه و امارات در راستای کاهش اثرگذاری رژیم صهیونیستی از طریق توان تأثیرگذاری ج ا ایران بر گروه‌های همسو و جنبش‌های مقاومت و استفاده از وجود ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی پایبند به آرمان فلسطین، مخالف سازش و متفر از رژیم صهیونیستی در همه جوامع و ادیان در راستای افشاگری و اختلال در اهداف تبلیغاتی و رسانه‌ای رژیم صهیونیستی در موضوع عادی سازی	راهبرد تقویت استفاده از تحریک مردم در منطقه و امارات
شکل‌گیری محافل و جنبش‌های نخبگانی معتدل نسبت به ایران و محور مقاومت از طریق ایجاد و توسعه همکاری‌های مدنی معطوف به فلسطین با استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و فعالان عرب و ایرانی حامی آرمان‌رهبایی قدس شریف و مخالف سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهان اسلام	راهبرد تلاش برای ورود جهان اسلام به خصوص مردم و نخبگان جهان عرب برای مبارزه و نفرت از رژیم صهیونیستی
تحریک مردم در امارات و رژیم صهیونیستی و بسترسازی تحریک شکاف‌ها و تقویت تقابل در رژیم و امارت‌های هفتگانه (گریز از مرکز) با تکیه بر اختلاف دیدگاه، تعارض و تقابل درونی بین عناصر قدرت در امارات (اختلاف میان شیوخ امارات، استیلای ابوظبی، شکاف قبیله‌ای، تسخیر ثروت توسط بن زائد، توزیع قدرت سیاسی نامتناسب و کسب حمایت‌های خارجی امارت‌ها در برابر ابوظبی) و استفاده از	راهبرد تحریک مردم در امارات و رژیم صهیونیستی و بسترسازی تحریک شکاف‌ها و تقویت تقابل در رژیم و امارت‌های

هفتگانه		فقدان ملت سازی، اکثریت جمعیت مهاجر ناهمگون غیربومی با بحران هویتی (کمبود جمعیت بومی و اصیل، محیط نامتجانس) در رژیم صهیونیستی و امارات
راهبردهای خنثی کردن و تمرکز اقدام بر استراتژی رژیم صهیونیستی		
عنوان راهبرد	راهبرد	
راهبرد تمرکز اقدام و رویکرد بر رژیم صهیونیستی و تنش زدایی هوشمند با امارات از طریق اشراف و توان اطلاعاتی موجود ایران در منطقه (وجود شبکه گسترده اطلاعاتی امنیتی با توان علمی، پهبادی و فناوری هک، جنگ سایبری، شنود و رصد تحرکات در منطقه) و با استفاده از تسلیح، توسعه و انسجام گروه‌های فلسطینی برای مبارزه با رژیم صهیونیستی	راهبرد تمرکز اقدام و رویکرد بر رژیم صهیونیستی نه امارات	
خنثی کردن استراتژی رژیم صهیونیستی از طریق توافق‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای با تکیه بر تنش زدایی هوشمند توأم با حفظ ادبیات قدرت و عدم تقابل مستقیم با امارات (با توجه به ضعف عمق راهبردی، خط ساحلی طولانی و وجود تهدیدهای دریایی بالا امارات) با استفاده از ساختار منسجم نیروهای مسلح و قدرت بری و بحری و اشراف و تسلط ج ا ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز در ثبات و تأمین امنیت منطقه و خلیج فارس و با استفاده از نیروهای کشورهای همسایه	راهبرد خنثی کردن استراتژی رژیم صهیونیستی از طریق توافق‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای	
راهبردهای تقویت دیپلماسی پنهان با رویکرد ابزار قدرت		
عنوان راهبرد	راهبرد	
تقویت دیپلماسی پنهان با رویکرد ابزار قدرت به جای اقدام در منطقه و کشورهای خلیج فارس از طریق تعادل و متنوع سازی روابط، تنش زدایی، تقویت سیاست همسایگی و توافقات چندجانبه با کشورهای همسایه (به ویژه حوزه خلیج فارس) و استفاده از توان ایجاد ائتلاف و اتحادهای امنیتی و دفاعی با تکیه بر پیشرفت های علمی، خودباوری و خوداتکایی (در حوزه نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، توانمندی پهبادی، موشکی و ...)	راهبرد تقویت دیپلماسی پنهان با رویکرد ابزار قدرت به جای اقدام در منطقه و کشورهای خلیج فارس	
مقابله با رژیم صهیونیستی در منطقه و تنش زدایی هوشمند توأم با حفظ ادبیات قدرت و عدم تقابل مستقیم با امارات و افزایش هزینه های عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی برای امارات با تکیه بر توان تأثیرگذاری ج ا ایران بر گروه های همسو و جنبش های مقاومت و استفاده از توان ایجاد ائتلاف و اتحادهای امنیتی و دفاعی	راهبرد مقابله با رژیم صهیونیستی در منطقه و تنش زدایی هوشمند توأم با حفظ ادبیات قدرت	

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با ترسیم مختصات عادی سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی، اهداف آن شناسایی و تأثیرات چنین مناسباتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار گیرد. با جمع نظر خبرگان و متخصصان و داده‌های مطالعاتی پژوهش مشخص شد که کشور امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در هراس از قدرت یابی و گسترش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، اقدام به نزدیکی مواضع کرده و هسته‌ی اصلی فرایند سازش خود را با ادراک یا تصور تهدید از ایران و مقابله با آنچه تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانند، قرار داده‌اند.

در خصوص مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات و رژیم صهیونیستی باید گفت حلقه اتصال اتحاد و ائتلاف امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی تصور یا ادراک تهدید از جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین ادراک تهدید مشترک، نیاز به همگرایی به دلیل احساس افزایش تهدید، تعارض هویتی، تعارض منافع، ایجاد موازنه علیه قدرت هژمون، خروج آمریکا از منطقه و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا برای ایجاد ساختار امنیتی جدید عواملی هستند که منجر به سرعت گرفتن روند همگرایی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی شده است.

با توجه به نقش، قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران در احیای روابط ابوظبی و تل آویو باید اذعان داشت ایران نقش مهمی در عادی سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی دارد. مقابله با تهدیدات متصور ایران علیه منافع و امنیت امارات و رژیم صهیونیستی باعث گردید این دولت‌ها سیاست موازنه را اتخاذ نمایند و رژیم صهیونیستی تلاش دارد با همراهی برخی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله امارات در راستای موازنه سازی و مهار ایران، ائتلافی منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل شود تا توازن منطقه‌ای حفظ شود و ترتیبات امنیت منطقه و ساختار ژئوپلیتیک منطقه به نفع رژیم صهیونیستی و هم پیمانان آن شکل گیرد.

البته باید اذعان کرد امارات متحده عربی که با بحران نقش و ضعف و شکنندگی ژئوپلیتیکی مواجه است، همواره به دنبال متحد منطقه‌ای قدرتمند جهت مقابله با قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت برای حفظ حاکمیت و مصون سازی خود بوده، برای تحقق این هدف و به منظور حضور فعالانه در منطقه، مقامات اماراتی با آشکار سازی و توسعه مناسبات در توافق ابراهیم با رژیم صهیونیستی در صدد موازنه تهدید در برابر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی

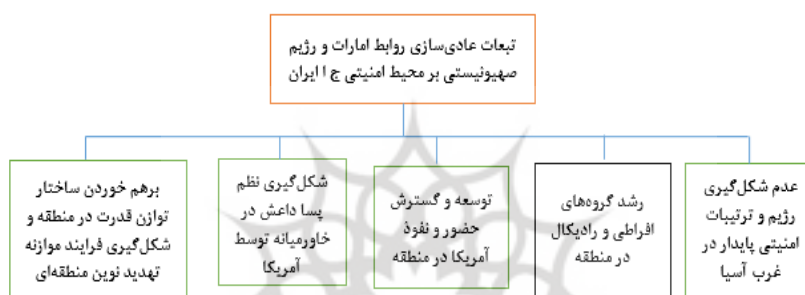
ایران هستند. امارات علیرغم روابط گسترده تجاری با ایران، همواره نسبت به این جمهوری اسلامی ایران تعارض منافع و تصور تهدید دارد و در طول سال‌های گذشته تلاش نموده است تا از طریق سازوکارهای مختلف از جمله خرید تسلیحات پیشرفته نظامی، مداخله نظامی در ژئوپلیتیک خاورمیانه نظیر یمن و ائتلاف و اتحاد سازی با کشورهایی مانند عربستان، موازنه قدرت را در برابر قدرت روزافزون ایران تا حد ممکن حفظ نماید و این بار با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی به دنبال موازنه تهدید با ایران است. از طرفی رژیم صهیونیستی که تقابل هویتی با ج.ا.ایران دارد همواره در صدد موازنه قوا برای مقابله با تهدیدات ج.ا.ایران است که بارها و به صراحت نیز تهدید شده است.

در خصوص، تأثیر مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران این پژوهش با مبنا قرار دادن تئوری‌های تلفیقی موازنه تهدید و موازنه قوا مساعی خود را معطوف به تجزیه و تحلیل برقراری روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی نموده است. به دیگر سخن، بحث تهدیدات فزاینده جبهه مقاومت به‌ویژه در پساداعش، به میزانی بود که هم امارات متحده عربی و صهیونیست‌ها را به فکر ایجاد یک موازنه پایدار و راهبردی علیه تهدیدات محور مقاومت به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران انداخت.

با بررسی اصول مشترک نظریه واقع‌گرایی، نواقح‌گرایی، واقع‌گرایی کلاسیک و نوکلاسیک، نواقح‌گرایی تهاجمی و تدافعی، نقش، هویت، امنیت منطقه‌ای و همچنین بررسی و مطالعه منطقه غرب آسیا و تحولات آن اهمیت نظریه موازنه قوا و موازنه تهدید جهت تبیین مناسبات امنیتی امارات و رژیم صهیونیستی و توضیح نحوه رفتار و سیاست خارجی آن‌ها را نشان می‌دهد؛ از طرفی فرضیه‌های مطرح در نظریه نواقح‌گرایی تدافعی در خصوص توضیح ائتلاف امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران علل و عوامل ایجاد اتحاد و ائتلاف بین کشورها، با توجه به نظریه‌های مطرح شده بر موضوع بحث یعنی زمینه‌ها، ریشه‌ها و بسترهای گرایش امارات متحده عربی به ایجاد ائتلافی امنیتی با رژیم صهیونیستی و بالعکس مصداق دارد.

پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن نظریه موازنه تهدید والت، تلاش خود را بر روی تجزیه و تحلیل مختصات برقراری روابط امارات و رژیم صهیونیستی در مقابل تصور تهدیدات احتمالی از سوی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت قرار داده که مجموعه کشورهای فوق را به فکر ایجاد موازنه در مقابل قدرت و نفوذ محور مقاومت به رهبری ایران و متحدان منطقه‌ای آن انداخته است. این موازنه می‌تواند به لحاظ امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فناورانه، محیط‌زیستی و ... تبعاتی

برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد و فضای حیاتی کشورمان را در منطقه غرب آسیا تحت الشعاع قرار دهد. در نتیجه، تدوین راهبردهای مقابله، از اهمیتی مضاعف برخوردار است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید در مقابل این عادی‌سازی مناسبات، راهبرد امنیتی و الگویی را اتخاذ نماید و یا راهبردهای سیاست خارجی برای تقویت جایگاه خود در توازن قوای منطقه‌ای متناسب با این مناسبات تنظیم نماید. واضح است که تبعات امنیتی این مناسبات، تقویت ایران هراسی و تغییر در بلوک بندی منطقه‌ای، تغییر موازنه قدرت و ساختار امنیتی منطقه، تسری ناامنی و بحران‌زایی در ایران، تشدید اختلافات فرقه‌ای - هویتی در ایران خواهد بود.



شکل ۳: تبعات عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی بر محیط امنیتی ج.ا.ا.

در خصوص عوامل محیطی (قوت‌ها، فرصت‌ها، آرزوها و نتایج قابل وصول بر اساس مدل (SOAR)) جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تبعات مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی، نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران در راستای مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی شامل توان تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران بر گروه‌های همسو و جنبش‌های مقاومت، برخورداری از قدرت بری و بحری و اشراف و تسلط ج.ا. ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز، همبستگی داخلی در مقابل تهاجم خارجی و جریان‌های تجزیه طلب، پیشرفت‌های علمی، خودباوری و خوداتکایی (در حوزه نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، توانمندی پهبادی، موشکی و ...) با اعتماد به نفس ملی در شرایط تحریم، امنیت درون‌زا و بهره‌مندی از نیروهای نظامی و امنیتی مقتدر، کارآمد، متعهد و با تجارب نظامی و دفاعی ارزشمند و توان ایجاد ائتلاف و اتحادهای امنیتی و دفاعی و ... می‌باشد.

فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در راستای مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی شامل وجود گروه‌های مدافع انقلاب اسلامی ایران در خارج از کشور، منازعه و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر توازن قدرت در غرب آسیا، وجود

ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی پایبند به آرمان فلسطین، مخالف سازش و متفتر از رژیم صهیونیستی در همه جوامع و ادیان و اختلاف و رقابت امارات با عربستان سعودی و ... می‌باشد. آرمان‌های قابل وصول جمهوری اسلامی ایران در راستای مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی شامل وحدت و انسجام جهان اسلام در مسئله فلسطین و انزوای رژیم صهیونیستی، شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید (تشکیل رژیم امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای) و ... می‌باشد.

نتایج مورد انتظار جمهوری اسلامی ایران در راستای مواجهه با تبعات امنیتی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی شامل تهییج مردم و نخبگان جهان عرب برای مبارزه و نفرت از رژیم صهیونیستی، تغییر یا بهبود نگاه نخبگان امارات به جمهوری اسلامی ایران و افزایش آگاهی نخبگان با ماهیت و اهداف رژیم صهیونیستی، شکل‌دهی جریان موازنه منطقه‌ای علیه عادی‌سازی و خنثی و بی‌اثر سازی ائتلاف علیه ایران، کنترل و مهار تحرکات ناشی از پیامدها و تبعات عادی‌سازی و افزایش تعامل و گفتگوها با علما و نخبگان جهان عرب برای مقابله با سازش و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و ... است.

به دلیل ماهیت دارای طبقه‌بندی اسناد موجود در خصوص امارات و رژیم صهیونیستی در سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم مراجعه، امکان دسترسی به آن‌ها فراهم نبود. امکان دسترسی به برخی از افراد خاص اطلاعاتی که دارای دانش و تجربه غنی در حوزه امارات و رژیم صهیونیستی بودند، وجود نداشت. اگرچه تعداد کمی از این افراد با شرط‌هایی که دارای ملاحظات حفاظتی بود، حاضر به همکاری با پژوهشگر شدند. حتی برخی از خبرگان از دادن اطاعات امتناع کردند.

طراحی ساختار سازمان‌های اطلاعات خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مأموریت دیپلماسی عمومی با رویکرد تنش زدایی و دیپلماسی پنهان با رویکرد هشداردهی و رصد و پایش تحولات منطقه‌ای برای مقابله با اقدامات رژیم صهیونیستی و راهبردها و راهکارهای مقابله‌ای و گفتمانی با رویکرد مواجهه با تبعات امنیتی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه، پایبندی به سیاست‌های دفاعی و دوری‌گزینی از رویکردهای تهاجمی با کشورهای حوزه خلیج فارس پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- احمدی، وحیده (۱۴۰۲). «نقش دیپلماسی پنهان رژیم صهیونیستی در مناسبات منطقه ای: مطالعه موردی توافق ابراهیم». مطالعات خاورمیانه، ۳۰(۲)، ۱۸۵-۲۱۷.
- اسماعیلی محمد مهدی (۱۴۰۲). «مناسبات امنیتی حاکم بر روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی و راهبردهای مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران». تهران، رساله دکتری، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- اختیاری امیری، رضا (۱۴۰۰). «دیپلماسی صلح‌عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات خاورمیانه، سال ۲۸، شماره چهارم، پیاپی ۱۰۶، صص ۳۱-۴۶.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۱). «مفهوم امنیت ملی و تحولات آن». مجله سیاست دفاعی، سال اول، شماره ۱.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴). «چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه». تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰). «مدیریت راهبردی». تهران: انتشارات سمت.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت و هویت)». جلد دوم مترجم: حسن چاوشیان تهران: طرح نو.
- زیبایی، نصری و رستمی (۱۴۰۰). «پیامدهای فرآیند عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ج.ا. (۲۰۲۱-۲۰۱۰)». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره ۳(۳۹): ۶۲-۳۱.
- شادمانی، مهدیه؛ یزدانی، عنایت‌الله؛ بصیری، محمدعلی (۱۳۹۷). «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و موازنه تهدید با ایران». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷.
- Hendrix, Steve (2020.08.14). 'Inside the secret-not-secret courtship between Israel and the United Arab Emirates', Washington Post. Available at: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/inside-the-secret-not-secret-courtship-between-israel-and-the-united-arab-emirates/2020/08/14/3881d408-de26-11ea-b4f1-25b762cddb4_story.html
- Jones, Clive & Tore T. Petersen (2014). Israel's Clandestine Diplomacies, Oxford University Press.
- Edarabia (2019), Population of the UAE, available at: <https://www.edarabia.com/population-uae>.